

ایستاد و او یادگار برادری بود که کار رسانه و خبری را با میرحسین موسوی شروع کرده بود و می‌توان حدس زد یکی از دلایلی که نام او را کمتر در میان اظهارنظرهای تند آن سال علیه آخرین نخست‌وزیر ایران می‌بینیم همین باشد اما نه آن قدر که فاصله بگیرد چندان که جانشین سرلشگر فیروزآبادی و رئیس ستاد مشترک نیروهای مسلح شد و توانست توازن قوا را بیشتر کند.

گفته می‌شود او طی ۲۰ سال از اعضای همیشگی جلسات شورای عالی امنیت ملی بوده و نظرات راه‌گشا و بی‌سروصدایی ارائه می‌داده است.

محمد باقری روز به روز با واقعیت‌های سیاست آشناتر می‌شد و به رعایت عقلانیت بیشتر توصیه می‌کرد آن گونه که یک روز قبل از حادثه ۲۳ خرداد در روزنامه هم‌میهن نوشتیم مواضع معقولانه او در ماه‌های آخر به کام اقتدارگرایان و رادیکال‌ها خوش ننشسته بود.

نخست به خاطر پیام تصویری او در نوروز همین امسال. ۱۵ فروردین ۱۴۰۴ در ویدئویی با لباس شخصی و کنار تخت جمشید که در پیامی گفت: «همه آرمان‌هایی که در اینجا دیدیم از صلح و آرامش و دوستی و برادری با سایر ملل حکایت داشت. ان‌شاءالله با همین نحو با رویکردی که جمهوری اسلامی در قبال همسایگان دارد و با دوستی و برادری و اخوت بتوانیم زندگی خوبی برای مردم داشته باشیم.»

دو روز بعد هم در جمع فرماندهان و مدیران و کارکنان ستاد کل نیروهای مسلح و قرارگاه مرکزی خاتم‌الانبیا گفت: «مذاکره غیرمستقیم ایرادی ندارد. ایران راه را نمی‌بندد و راه را باز می‌گذارد تا اگر صادقانه حرکت کنند بشود مذاکره کرد.»

تا اینجا رادیکال‌ها خویشتن‌داری کردند چراکه بازتاب سیاست‌های رسمی نظام بود که به اشکال دیگر هم بیان شده بود اما ۵ خرداد و درست ۱۸ روز قبل از ترور سحرگاه جمعه فراتر از صلح با جهان که از صلح با جامعه سخن گفت و از زبان او در پی ۴۵ سال فعالیت نظامی شنیدنی بود: «نیاز ما صرفاً به علوم فنی و فناوری‌های صنعتی محدود نیست. جامعه بسیار پیچیده و در حال تحول ما نیاز به کار علمی دارد. اگر فرماندهی انتظامی ما بخواهد با رویکرد سخت و باطوم برخورد کند راه به جایی نمی‌برد. ما نیاز به تدبیر داریم. افسر پلیس ما باید نسل جدید را به خوبی بشناسد. رگ خواب او را بدانند تا بتواند جامعه‌ای را که امنیت آن به آنان سپرده شود اداره شود.»

از این پس بود که حرمت او را شکستند و گفتند چرا به وعدهٔ عملیات وعده صادق ۳ اشاره نکرده و نکات دیگری که چون در آن گزارش آمده و این نوشته کمتر از یک هفته بعد از آن منتشر می‌شود تکرار نمی‌کنیم هر چند اهمیت آن در واپسین روزهای حیات سردار چنان است که این گزارش بدون اشاره به آن کامل نیست.

داستان باقری‌ها اما محدود به دو برادر - حسن و محمد- نیست و در عملیات تروریستی همسر و دختر رئیس فقید ستاد کل هم به شهادت رسیدند و درهم‌دلی جامعه مؤثر افتاد.
خاصه اینکه دیدند دختر او بی‌زرق و برق به کارهای خبری عادی اشتغال داشته و بر سر سفره رانت و ویژه‌خواری که بر برخی دیگر به آن آلوده شدند نشسته است.

وجه قابل ذکر دیگر این است که برخلاف تبلیغات زهرآگین رسانه‌های برانداز چهرهٔ واقعی نسل انقلاب ۵۷ را نشان داد و می‌توان حدس زد که اگر باقری اول هم زنده مانده بود در سیر زمان به باقری دوم و ماه‌های آخر ماننده‌تر می‌شد.

از بهمن ۱۳۶۱ که حسن باقری به شهادت رسید تا خرداد ۱۴۰۴ که محمد باقری هدف عملیات تروریستی اسرائیل قرار گرفت نزدیک ۴۳ سال فاصله است و هنر باقری دوم این بود که تغییر نسل و زمانه را درک می‌کرد و با ادبیات دهه ۶۰ برای نسل تازه - مشهور به زد یا متولدان دهه‌های ۸۰ به بعد- سخن نمی‌گفت.

از گفتار و رفتار سرلشگر محمد باقری این‌گونه استنباط می‌شد که می‌خواهد حال و هوای دهه ۶۰ را بی‌اصرار بر همان ادبیات جاری کند؛ هر چند از خود او فراتر نمی‌رفت ولی همین هم نوعی تشخیص و تمایز به او می‌داد و توانسته بود سیمای آراسته‌تری به ساختار نظامی ببخشد و از این منظر شاید فقدان او سنگین‌ترین ضربه در عملیات ۲۳ خرداد به حساب آید اگر چه حالا دیگر مهدی زین‌الدین و قاسم سلیمانی نیستند تا این بار درباره برادر- حسن باقری - بگویند و محسن رضایی هم در راستای سیاست کلی روحیه‌بخشی تعبیر پیش‌گفته را تکرار نکرد.

با این همه به لحاظ عملیاتی سرلشگر باقری کار ستادی می‌کرد و از این منظر شاید فقدان سردار حاجی‌پور که فرماندهی مستقیم هوافضای سپاه را بر عهده داشته احتمالاً برای اسرائیلی‌ها مطلوب‌تر بوده باشد.

آنچه زخم شهادت باقری دوم را برای دوست‌داران و بازماندگان عمیق‌تر می‌کند این است که از یک سو زخم ۴۳ سال قبل در فکه را تازه می‌کند و از جانب دیگر همسر و دختر در کنار او بودند و البته تلخ‌تر از همه اینکه این بار احتمال نفوذ و ضربه از خودی جدی بوده است.

داستان باقری‌ها

اما محدود به دو برادر - حسن و محمد- نیست و در عملیات تروریستی همسر و دختر رئیس فقید ستاد کل هم به شهادت رسیدند و درهم‌دلی جامعه مؤثر افتاد. اینکه دیدند دختر او بی‌زرق و برق به کارهای خبری عادی اشتغال داشته و بر سر سفره رانت و ویژه‌خواری که برخی دیگر به آن آلوده شدند نشسته است



صادق زیباکلام

استاد علوم سیاسی دانشگاه تهران

در روزهایی که شاهد ادامه جنگ بین ایران و اسرائیل هستیم، ما به عنوان ایرانیان، با سوال سختی روبه‌رو هستیم. سوال اساسی که بسیاری از ایرانیان در این شرایط جنگی باید از خود داشته باشند، این است که ما در ارتباط با جنگ اسرائیل و ایران در کجای ماجرا قرار خواهیم گرفت، یعنی فکر می‌کنیم در کدام سمت این ماجرا باید قرار بگیریم؟ آیا ما با نظام جمهوری اسلامی ایران، هیچ نوع وابستگی و سنخیت نداریم و اصلاً این جنگی که در جریان است را، جنگ خودمان نمی‌دانیم یا اینکه ما نوعی وابستگی به این نظام داریم و این جنگ، جنگ بین ایران و نظام حاکم بر ایران با اسرائیل می‌بینیم.

خیلی‌ها از جمعه که حمله اسرائیل به ایران آغاز شده است، تا به الان تکلیف‌شان روشن شده است و عملاً این نکته را بیان می‌کنند که ما هیچ نوع وابستگی، دل بستگی و پیوند با نظام جمهوری اسلامی ایران نداریم و در جنگی که جریان دارد، تمام‌قد از اسرائیل حمایت خواهیم کرد. در این میان بعضاً افرادی مانند شاهزاده رضا پهلوی و یا سایر سلطنت‌طلبان وجود دارند که به صورت مستقیم حمایت خود از اسرائیل و حمله به ایران را هم بیان کرده‌اند و به صراحت از این حمله حمایت می‌کنند. البته برخی دیگر هم وجود دارند که حمایت خود از اسرائیل را به زبان نیاورده‌اند ولی وقتی نوع رفتار آنها را نگاه می‌کنیم، مشخص است که به صورت غیرمستقیم دست به حمایت از اسرائیل زده و حتی در این مسیر تلاش‌هایی را هم انجام می‌دهند. برای مثال، می‌توان به چیزی اشاره کرد که این روزها و شب‌هایی که ایران درگیر جنگ است، در برخی از رسانه‌های فارسی‌زبان خارج از ایران به وضوح مشاهده می‌شود. آنها در رسانه‌هایشان حمایت از اسرائیل را به صورت آشکار بیان نمی‌کنند اما به گونه‌ای تحلیل می‌کنند که انسان با گوش دادن به این تحلیل‌ها، کاملاً متوجه این موضوع

چهارشنبه ۲۸ خرداد۱۴۰۴

سال چهارم • شماره ۸۱۲

www.hammihanonline.ir



مهیمن

نگاه تحلیلگر / ۱

می‌شود که این رسانه‌ها عملاً و با تمام وجود در حال حمایت از اسرائیل هستند و در همین مسیر به جمهوری اسلامی حمله می‌کنند.

شاید کمتر کسی در دو دهه گذشته وجود داشته باشد که به اندازه من صادق زیباکلام از عملکرد و سیاست‌های مختلف جمهوری اسلامی، انتقاد کرده باشد. به گونه‌ای که بسیاری از آنچه که در دو دهه گذشته گفته‌ام، عملاً جا افتاده است. مثلاً اینکه چه کسی این رسالت را به ما داده است که اسرائیل را باید نابود کنیم؟ یا اینکه انقلاب اسلامی اصلاً برای مرگ بر آمریکا نبوده است و یا اینکه هسته‌ای به جز اینکه منافع ملی کشور را نابود کرد، فایده نداشته است. موضع‌گیری‌هایی که من داشته‌ام، بسیار تند و تلخ بوده و بعضاً هم به علت همین موضع‌گیری‌ها، علیه من اعلام جرم شده است و زندان هم رفته‌ام. اما سوالی که من صادق زیباکلام، در این وضعیت از خودم دارم این است که این نظامی که تو، طی سال‌های سال، به بسیاری از سیاست‌هایش انتقاد داشته‌ای و این سیاست‌ها را درست نمی‌دانی، حالا به‌دنبال حمله خارجی، درگیر شده است. صادق زیباکلام، در این وضعیتی که ایران با اسرائیل درگیری نظامی پیدا کرده، چه تصمیمی خواهد گرفت؟ پاسخ من این است که من با همه انتقاداتی که نسبت به جمهوری اسلامی دارم و خیلی از آنها انتقادات تندی است، پشت کردن به جمهوری اسلامی را در این شرایط صحیح نمی‌دانم و نمی‌توانم این جمله را بگویم که این جنگ به من مربوط نمی‌شود و این جنگ بین نظام جمهوری اسلامی و اسرائیل است.

موضوع پایانی، حرفی است که با ایرانیانی دارم که در این جنگ آمده‌اند و برای حمایت از اسرائیل صف بسته‌اند. من به آنها یک نکته را می‌گویم. به آنها می‌گویم که بیایید و از اسرائیلی‌ها یاد بگیرید. قبل از هفت اکتبر، صدها هزار اسرائیلی، علیه نتانیاهو تظاهرات کردند و مخالف او بودند؛ اما آیا هیچ‌کدام از آنها بعد از هفت اکتبر و آغاز جنگ؛ با حماس همکاری کردند؟ ما حداقل از آنها یاد بگیریم. اسرائیلی‌ها با همه انتقاداتی که داشتند، حمایت نکردند و همچنان به نظام حاکم وفادار ماندند.

نگاه تحلیلگر / ۲

پای ایران در میان است



صادق زنگنه

کارشناس سیاسی

«در ایران رژیمی است که من با آن مخالفم، اما هر ضربه‌ای که به آن بزنم، ضربه‌ای به ایران است و من این را نمی‌خواهم.» این دواگانه را که مرحوم ابراهیم نبوی در مصاحبه‌ای مطرح کرده بود، وضعیتی است که امروز گریبان بسیاری از ما را گرفته است. داستان دیروز و امروز هم نیست. اصولاً اصلاح‌طلبی ریشه در همین ایده دارد. ضرورت تغییر بر پایهی حفظ ایران. ما از داخل کشور به رویکردی که دستگاه تصمیم‌گیری کشور در پیش گرفته است، انتقاد کرده‌ایم: از فیلترینگ که نماد اعلای حماقت است و حتی امروز که مردم به نشانه‌های همدلانه از حکومت نیاز دارند، بر قدرت آن افزوده‌اید، از فشارها برای حجاب اجباری که توهین به زنان کشور است، از مخالفت با حیوان خانگی که نمایشی از سنگ‌دلی است. از رجوع به خرد و دوراندیشی به جای هیجان‌زدگی و یک‌روزه بینی، از هرآنچه «تجحر» و «پیرفکری» می‌دانیم، نوشته‌ایم تا کار به امروز نرسد. اما شما به ما اعتماد و اعتنا نکردید و امروز، کار به اینجا رسیده است! با این حال همچنان این خاک، وطن من است و حملات کشوری متجاوز تغییریری در این حقیقت ایجاد نکرده است. امروز که غریبه‌ای به این وطن حمله کرده، امروز که نام شهرهای آن، با صدای انفجار در هم آمیخته، امروز که زیرساخت‌های ما هدف قرار گرفته و هموطنانم کشته شده‌اند، آن دعوای خانگی تمام می‌شود و من در دفاع از این سرزمین مظلوم می‌ایستم. این یک انتخاب نیست،

بیانیه‌ها

راه کارهایی برای نجات فوری ایران

مسعود ادیب، حسن یوسفی اشکوری، عبدالعلی بازرگان، احمد عابدینی، حسن فرش‌تیان، و محسن کدیور از چهره‌های اپوزیسیون در بیانیه‌ای درباره حمله اسرائیل به ایران گفته‌اند: «اسرائیل در اجرای نقشه جدید خاورمیانه‌برخلاف کلیه موازین حقوق بین‌الملل با پیشرفته‌ترین سلاح‌های آمریکایی و اروپایی وارد جنگ علیه کشورمان ایران شده است. در این پنج روز خسارات فراوانی به زیرساخت‌های مختلف کشور وارد شده و جمعی از شهروندان غیرنظامی، دانشمندان هسته‌ای و فرماندهان ارشد نظامی کشته شده‌اند. اسرائیل بدون هماهنگی با آمریکا امکان تدارک چنین جنگی علیه ایران نداشته است.» در ادامه این بیانیه آمده است: «نتانیاهو نخست‌وزیر جلاد اسرائیل که به حکم دیوان بین‌المللی لاهه به‌عنوان جنایتکار جنگی تحت تعقیب است، چگونه می‌تواند برای ملت ایران دموکراسی و رهایی به ارمنان آورد؟ انرژی هسته‌ای بهانه‌ای بیش نیست، اقتدار، توان نظامی، تمامیت ارضی و استقلال ایران نشانه است.» در بخش دیگری از این بیانیه تصریح شده است: «با توجه به واقعیت تلخ زورمندی قدرت‌های جهانی و بی‌اعتنایی آنها به موازین حقوقی - چه برسد اخلاقی - از یک‌سو و «مقدورات ملی» از سوی دیگر، پیشنهادهای حداقلی زیر را به هیئت حاکمه جمهوری اسلامی و هموطنان شریف در میان می‌گذاریم: یک. درخواست آتش‌بس موقت: جنگ اسرائیل علیه ایران جنگی تحمیلی است. دفاع مشروع حق مسلم ایران است. اما پیشنهاد فوری «آتش‌بس موقت» معقول‌ترین کار ممکن در شرایط خطیر فعلی است. با آتش‌بس موقت از تخریب بیشتر زیرساخت‌ها و تلفات بیشتر انسانی جلوگیری می‌شود و فرصتی برای چاره‌اندیشی جدی فراهم می‌شود.» همچنین در بخش دیگری از این بیانیه به مذاکره مستقیم با آمریکا، انعطاف در غنی‌سازی با تاکید بر اینکه «انرژی هسته‌ای حق مسلم ایران است» به عنوان دو پیشنهاد دیگر آمده و تاکید شده است: «اما از آن مهم‌تر حفظ ایران، جان شهروندان، و حفاظت از زیرساخت‌های کشور است. دانش هسته‌ای دانشمندان ایرانی را احدى نمی‌تواند از ما بگیرد. می‌توان به طور موقت از میزانی از غنی‌سازی برای رسیدن به منافع بیشتر ملی صرف‌نظر کرد.» همچنین در این متن از آشتی حکومت با مردم، رفع حصر غیرقانونی از محصوران، آزادی زندانیان سیاسی و آزادی مطبوعات مطابق قانون اساسی فعلی و برگزاری همه‌پرسی برای اصلاح قانون اساسی به عنوان دیگر پیشنهادها با خواسته‌ها برای «حفظ تمامیت ارضی، استقلال، آزادی و رعایت منافع ملی» سخن به میان آمده است.

وقت انسجام است

شماری از دانشگاهیان، با انتشار بیانیه‌ای به حمله اسرائیل به ایران واکنش نشان دادند. در بخشی از این بیانیه آمده است: «ما شاهد حمله از سوی دشمنی هستیم که عملکرد خشونت‌بار و بی‌احترامی‌اش نسبت به هر نوع حقوق و هنجار بین‌المللی، اخلاقی و انسانی را از ۷ اکتبر ۲۰۲۳ به بعد شاهد بوده‌ایم. این حمله نیز به مانند آن چه عملکرد گذشته اسرائیل نشان می‌دهد، نقض بدیهی‌ترین حقوق بین‌المللی است.» در بخش دیگری از بیانیه آمده است: «مردم آگاه ایران نیک می‌دانند که ایران تاریخی و کهنسال ما در طول تاریخ و پیش از این حمله، بارها از سوی متجاوزان رنگارنگ دیگر مورد هجوم‌های وحشیانه قرار گرفته است؛ اما به گواهی تاریخ، ققنوس‌وار سر از خاک و خاکستر بر داشته و رویش و زایشی دیگر را تجربه کرده است. ما ایرانیان با هر گرایش و سوگیری سیاسی و فکری را فرامی‌خوانیم که محکم‌تر از گذشته نسبت به حفظ تمامیت سرزمینی، ماندگاری و پایداری ایران حساس باشیم، و در مقابل دشمن خارجی منسجم بمانیم.» آنها در پایان نوشته‌اند: «ما در فردایی که امنیت فراهم شود و جای بحث و عمل عقلانی و فارغ از تهدید دشمن خارجی مهیا گردد، هم‌چون گذشته و بیش از آن به کاستی‌های حکومت، اشتباهات آن و راه‌های ساختن ایران بهتر می‌پردازیم و در کنار مردم عزیز ایران، مطالبه داشتن کشوری بهتر با امنیت و توسعه قابل اطمینان و پایدار را بی‌خواهیم گرفت. اکنون وقت منسجم‌ماندن و ایستادگی بر حفظ ایران در برابر دشمنی خونخوار و رهانیدن آن از هر گزندى است.» در زیر این بیانیه، اسامی مطرحی چون تقی آزادارمکی، الهیه کولایی، کیومرث اشتریان، حبیب‌الله پیمان، حمیدرضا جلابی‌پور، هادی خانیکی، علی‌ربیعى، داریوش رحمانیان، محمدجواد غلامرضا کاشی، محمد فاضلی و مقصود فراستخواه دیده می‌شود.